

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 15, Consecutive Number 32, Summer 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



From "rayanitan" to "rayaneshi" The role of grammar and Persian Language patterns in word selection

Mousavi.Mostafa 

1: Associate Professor of Persian Language and Literature, Tehran University, Tehran, Iran:
Corresponding Author (mmusavi@ut.ac.ir)

Recently, some academics have used the title "zabānshenāsi ye rāyāneshi" in the naming of academic fields. Before that, this combination was created and published in the Academy of Persian Language and Literature. In this article, the method of making the second part of this name, "Rāyāneshi", its origin and source is discussed and it is shown that this word, which is made from the Pahlavi language, Its construction is in conflict with the language rules, Persian grammar, and Persian language patterns is wrong, just as the word "rāyāne", which was created by the Academy of Iranian Language (Farhangestān II) equivalent to "computer", is wrong according to the rules of the Persian language, and although it has fewer problems than "rāyāneshi" It is acceptable due to high usage. Of course, the word "computer" was established and common in the Persian language, and there was no need to create an equivalent for it, and today it is more common than "rāyāne". In this article, it is shown that the use of "rāyāneshi" is not acceptable in any way.

Keywords: computer, rāyāne, rāyāneshi, Academy of Iranian language, Persian grammar.

- M. Mousavi (2023). from "rayanitan" to "rayaneshi" The role of grammar and Persian Language patterns in word selection, *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies* 15(32), 367-392.

[Doi: 10.22075/jlrs.2023.30443.2275](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.30443.2275)



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴- شماره ۳۲ - تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۳۶۷-۳۹۲ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۲/۰۲/۰۳ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۳/۰۷ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹

از رایانیتن تا رایانشی

نقش دستور زبان و الگوهای زبان فارسی در واژه‌گزینی

مصطفی موسوی^۱

mmusavi@ut.ac.ir

۱: دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده: اخیراً برخی از دانشگامیان در نام‌گذاری رشته‌ای دانشگاهی، عنوان «زبان‌شناسی رایانشی» را به کار برده‌اند. پیش از آن، این ترکیب در فرهنگستان زبان و ادب فارسی ساخته و منتشر شده است. در این مقاله درباره طرز ساخته شدن جزء دوم این نام، یعنی «رایانشی» و ریشه و مأخذ آن بحث شده و نشان داده شده است ساخت این کلمه که از زبان پهلوی گرفته شده، با قواعد زبان، دستور زبان فارسی و نیز الگوهای زبانی فارسی امروز در تعارض بوده و غلط است؛ همچنان که کلمه رایانه که ساخته فرهنگستان زبان ایران (فرهنگستان دوم) در برابر کامپیوتر بوده، بنا بر قواعد زبان فارسی، غلط است و اگرچه مشکلات کمتری از «رایانشی» دارد، به دلیل کثرت کاربرد، می‌شود آن را پذیرفت. البته کلمه کامپیوتر در زبان فارسی جافتاده و رایج بود و نیازی به ساخت معادل برای آن نبود و امروز نیز از رایانه رایج تر است. در این مقاله نشان داده شده که کاربرد کلمه اخیر، یعنی «رایانشی» به هیچ وجه پذیرفتنی نیست.

کلیدواژه: کامپیوتر، رایانه، رایانشی، فرهنگستان زبان ایران، دستور زبان فارسی.

- موسوی، مصطفی (۱۴۰۲). از رایانیتن تا رایانشی؛ نقش دستور زبان و الگوهای زبان فارسی در واژه‌گزینی.

مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۲، صفحات ۳۶۷-۳۹۲.

Doi: [10.22075/jlrs.2023.30443.2275](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.30443.2275)

مقدمه

«رایانه» در مقابل کامپیوتر، از ساخته‌های فرهنگستان دوم (فرهنگستان زبان ایران) است که تا نیمه دهه هفتاد شمسی در زبان فارسی رواجی نداشت و حتی به فرهنگ‌ها هم راه پیدا نکرد. در فرهنگستان سوم (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، این کلمه عملاً تأیید شد و به جای کامپیوتر مورد استفاده قرار گرفت. همچنین از آن، ترکیب‌هایی ساختند و تصویب کردند و برای استفاده عموم، با بخشنامه رسماً ابلاغ شد.^(۱) سابقه این گونه بخشنامه و ابلاغ کردن در حوزه واژه‌گزینی یا واژه‌سازی، به سال ۱۳۷۴ می‌رسد. درباره کلمه‌ای دیگر و بسیار مشابه به «رایانه»، یعنی «یارانه» که ساخته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود، اولین بخشنامه دولتی در تکلیف استفاده از واژه مصوب فرهنگستان، به ادارات دولتی ابلاغ شد^(۲) که البته به واسطه کاربرد آن از سوی متصدی پرداخت سوبسید، یعنی دولت، رواج یافت و جا افتاد. مردمی که در صف کالای موردنیازشان، مثلاً شیر یارانه‌ای بودند، به‌ناچار این کلمه را که روی بسته این کالا هم درج شده بود، پذیرفتند. اینکه سوبسید در علم اقتصاد برای برقراری توازن و تعادل دادوستد بین اقشار جامعه است یا تعبیر عاطفی دارد؛ یعنی باید کمک و اعانه‌ای تلقی شود که با آن، دولت یا نهادی، نیازمندان را مورد لطف و مرحمت خود قرار می‌دهد، بحثی است که از حوصله این مقال بیرون است. به‌لحاظ زبانی نیز یارانه مشکلات زبانی رایانه را به‌دنبال نداشته است؛ از این رو، در این مقاله صرفاً به کلمه برساخته رایانه و تبعات کاربرد آن می‌پردازیم.

رایانه در فرهنگ‌های دوزبانه

رایانه در فرهنگ‌های دوزبانه انگلیسی - فارسی آریان‌پور (۱۳۶۳-۱۲۸۵) برای مدخل‌های فرهنگ فشرده انگلیسی - فارسی آریان‌پور (۱۳۶۳-۱۲۸۵) برای مدخل‌های compute (ing)، computation، computable، computability، computer، به ترتیب، برابرهای «شماره‌پذیری، شمردنی و قابل محاسبه، شمارش و محاسبه، حساب کردن و تخمین زدن، شمارنده و ماشین حساب» آمده است. در دهه

هشتاد شمس‌ی در فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی پویا و هزاره که تألیف استادان زبان‌شناس، محمدرضا باطنی (۱۴۰۰-۱۳۱۳) و علی محمد حق‌شناس (۱۳۸۹-۱۳۱۹) است، «رایانه» در برابر کامپیوتر و مشتقات آن آمده، البته نه به‌عنوان معادل اصلی. باطنی برای نه مدخلی که در فرهنگ معاصر پویا ذکر کرده، تنها سه بار «رایانه» را در معادل‌ها آورده است:

«محاسبه، حساب Computation

۱. کامپیوتری، رایانه‌ای؛ ۲. محاسبه‌ای، محاسباتی Computational

۱. کامپیوتر، رایانه؛ ۲. کامپیوتری، رایانه‌ای Computer

(عمل) کامپیوتری کردن Computerization

۱. کامپیوتری کردن؛ ۲. به کامپیوتر دادن Computerize

کامپیوتری (شده) Computerized

آشنایی با کامپیوتر، سواد کامپیوتری Computer literacy

آشنا با کامپیوتر، دارای سواد کامپیوتری Computer – literate

۱. کاربرد کامپیوتر، به‌کارگیری کامپیوتر؛ ۲. کار با کامپیوتر، حرفه Computing

کامپیوتر ۳. محاسبه، محاسبات ۴. [مربوط به] کامپیوتر» (باطنی و همکاران،

۱۳۹۰).

حق‌شناس نیز برابر «رایانه» را در حاشیه دیده و تمام توضیحات و ترکیبات را هم با کامپیوتر آورده است، نه رایانه: «حساب، محاسبه؛ تخمین، برآورد؛ کار با کامپیوتر، کاربرد کامپیوتر، استفاده از کامپیوتر؛ کار کامپیوتر؛ مربوط به کامپیوتر؛ حساب کردن، محاسبه کردن؛ تخمین زدن، برآورد کردن؛ حسابگر، کامپیوتر، رایانه؛ کامپیوتری، رایانه‌ای؛ محاسبه‌ای، محاسباتی؛ عصر کامپیوتر؛ زبان کامپیوتر؛ برنامه‌ریزی کامپیوتری؛ جامعه کامپیوتری؛ کامپیوتری کردن؛ (اطلاعات) به کامپیوتر دادن» (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۴).

چنان که ملاحظه می‌شود، فرهنگ‌نویسان در آوردن معادل، به معنای کلمه کامپیوتر توجه کرده‌اند و در برابرایشان، «حساب» و مشتقات آن را آورده‌اند؛ اما استادان فرهنگستان از معنی کلمه فاصله گرفته‌اند.

رایانه

ساخت این کلمه را سه گونه می‌توان توجیه کرد: ۱. از (رایان + ه)؛ ۲. از (رای + انه)؛ ۳. از (رای + ان + ه).

از «رایان» در لغت فارسی، جز به‌عنوان نام کوه، ناحیه، ده و شهر، چیزی ثبت نشده که معنایی مناسب موضوع ما داشته باشد؛ اما برای «رای» در لغت‌نامه دهخدا (۱۲۵۷-۱۳۳۴) معانی متعددی آمده است که عبارت‌اند از: «رأی، فکر، اندیشه، تدبیر، مقتضای عقل، تأمل، نقشه، طرح، آنچه پیش دل آید».

با ترکیب‌های فراوان: پاک‌رای، پاکیزه‌رای (= پاک‌اندیش، نیک‌اندیش، مقابلِ بدرای = بداندیشه، ناصواب‌اندیش)، پخته‌رای (= خردمند)، پریشان‌رای (= پریشان‌فکر)، پسندیده‌رای (= ستوده‌نظر)، تاریک‌رای (= بداندیش)، تیره‌رای (= که فکر نابجا و تیره دارد)، تبه‌رای (تبه‌اندیش)، تیزرای (= تیزهوش)، جافی‌رای (= که در اندیشه ظلم و ستم باشد)، خام‌رای (= که فکر ناپخته دارد)، خجسته‌رای، فرخنده‌رای، خوب‌رای، خودرای (= مستبدالرأی، که به فکر و اندیشه خود کار کند)، خیره‌رای (= که فکر نابجا دارد)، دیورای (= که فکر و اندیشه دیو دارد)، رای‌آمدن (= اراده کردن)، رای‌برگشتگی (= ناصواب‌بودن اندیشه و نظر)، رای‌پیر (= فکر‌پیر، اندیشه پخته)، رای‌پیش‌آوردن (= رأی‌نیکو‌زدن)، رای‌تاریک (= فکر تاریک)، رای‌جهان‌آرا (= رای روشن‌کننده جهان)، رای‌خردمند (= اندیشه خردمند، فکر آدم عاقل)، رای‌خوب، رای‌درست، رای‌روشن، رای‌شاهی (= اندیشه پادشاهی)، رای‌نکو، رای‌یک‌شدن (= متفق‌شدن)، روشن‌رای، روی و رای چیزی یا کاری (= صورت و تدبیر آن)، شوریده‌رای (= پریشان‌فکر)، فرخنده‌رای، کندرای، سست‌رای، کینه‌رای (= کینه‌توز)، متانت‌رای (= استواری تدبیر)، نکورای، نکوهیده‌رای، نیک‌رای، هارون‌رای (= دارای

تدبیر و نظری چون هارون، وزیر و برادر موسی)، هم‌رای (= هم‌فکر)، یک‌رای شدن (= متفق‌شدن)

و معانی دیگر:

- صلاح، صواب و ترکیب آن: جوینده‌رای (= که صلاح و مصلحت و صواب خواهد)

- به‌مجاز: علاج، چاره، راه

- قصد، عزم، اراده و ترکیب‌های آن: از رای کسی گذشتن (= از میل و اراده کسی چشم‌پوشیدن)، استطلاع رأی (آگاهی خواستن از قصد و اراده)، پیروزرای، ثبات رای، رای آن کردن، رای جهان‌آفرین

- عقیده

و معانی و ترکیب‌های فراوان دیگر با شواهد متعدد از متون نظم و نثر فارسی که حدود هشت صفحه سه ستونی از لغت‌نامه را به خود اختصاص داده است. پس از این صفحات نیز ترکیب‌های رای‌افکندن، رای‌نداختن، رای‌او‌فتادن، رای‌بر‌نداختن، رای‌بین، رای‌جستن، رای‌خواستن، رای‌دادن، رای‌داشتن، رای‌دیدن، رای‌زدن، رای‌زن، رای‌زن‌شدن، رای‌زنی، رای‌ساز، رای‌فتادن، رای‌فرمایی، رای‌کردن، رای‌گزیدن، رای‌مند و رای‌نهادن، به‌عنوان مدخل‌های جداگانه آمده‌اند که همگی از جزء رای (= رأی، فکر، تدبیر، نظر، صواب، چاره، اراده، عقیده) ساخته شده‌اند.

کلمه‌ای که این‌همه در زبان فارسی امروز و در متون زبانی و ادبی گذشته و حال با معانی یادشده کاربرد دارد، با کلمه مصوّب فرهنگستان دوم و پیشنهادشده از طرف فرهنگستان زبان و ادب فارسی (فرهنگستان سوم)، هیچ ارتباطی ندارد، هرچند در ظاهر، جزء نخست رایانه، «رای» است و مشابه «رای» در زبان رایج فارسی که معناها و ترکیب‌های آن را بر اساس آنچه در لغت‌نامه دهخدا آمده، مرور کردیم.

در لغت‌نامه، مدخل «رایاندن» نیز داریم؛ اما با تو ضیحی که برای آن نوشته‌اند، این مدخل از بحث ما خارج می‌شود: «رایاندن. [د] (مص) رهنمایی نمودن به بیرون. هدایت کردن. (ناظم‌الاطباء). اما در مآخذ دیگر دیده نشد.»

عبارت «اما در مآخذ دیگر دیده نشد» را مؤلف لغت‌نامه برای این آورده تا به خواننده القا کند که این معنی را نپذیرفته است. خصوصاً از این بابت که تنها یک مآخذ آن را ضبط و معنی کرده و از آن مهم‌تر اینکه شاهی از متون برای آن عرضه نکرده است. ناظم‌الاطباء (۱۳۰۳-۱۲۲۶) مدخل‌های بسیاری را بر مبنای زبان‌های پهلوی و اوستایی به فرهنگ خود افزوده که هیچ شاهی هم برای آن‌ها نیاورده و این مدخل هم *rāyēnīdan* فارسی میانه است. در این گونه موارد، لغویون به این کلمات و معانی که تک‌مآخذند و شاهی از متون ندارند، کمتر اعتماد می‌کنند.

تعیین معنای جدید برای کلمه‌ای که در زبان رایج باشد، در واژه‌سازی/واژه‌گزینی کار موجهی به نظر نمی‌رسد؛ مثلاً ما نمی‌توانیم برای «فرهنگ» که در زبان امروز به معنای «دانش، ادب، تربیت، مجموعه آداب و رسوم و... و کتاب لغت» به کار می‌رود، معنای جدیدی اختراع کنیم و از اهل زبان بخواهیم این معنی جدید را بر معنای رایج آن بیفزایند. در این باره، ۸۵ سال پیش، محمدعلی فروغی (۱۳۲۱-۱۲۵۴)، نخستین رئیس فرهنگستان ایران، در پیام به فرهنگستان نوشته است: «هر وقت الفاظ و تعبیراتی را که در اذهان، معنی عام دارد، به معنی خاص نقل کنیم و اصطلاح قرار دهیم، اگر از یک جهت احتیاجی را رفع می‌کنیم و غنی می‌شویم، از جهت دیگر، فقر و احتیاج تازه در زبان خود ایجاد می‌کنیم. به عبارت دیگر، زبان را در حقیقت غنی نکرده‌ایم» (فروغی، ۱۳۱۶: ۴۵ و ۴۶).

به نظر می‌رسد استادان فرهنگستان دوم، این کلمه را بر اساس فعل *rāyēnīdan* در زبان پهلوی ساخته باشند. اینکه این کار تا چه حد درست است، جای تأمل دارد. برای کلمه‌ای که در زبان، کاربرد و مشتقات بسیار زیادی دارد، فراهم کردن معنایی جدید به کمک زبان‌های مرده، توجیهی مستدل و محکم لازم دارد. فروغی در پیام به

فرهنگستان، به این موضوع نیز پرداخته است: «دیگر از نکاتی که باید رعایت کرد، این است که کلمات فارسی که اختیار می‌شود و از آن‌ها الفاظ و اصطلاحات تازه می‌سازیم، باید در زبان فارسی جدید به کار رفته باشد؛ یعنی در کتاب‌ها و اشعاری که در این هزار سال گذشته نوشته و گفته شده است، به شرط آنکه ضبط و معنی آن‌ها را به‌دقت تحقیق و به‌درستی معلوم کرده باشیم. از کتاب‌های پهلوی و *اوستا* لغت درآورده و آن را فارسی دانستن، به کلی غلط است. راست است که زبان پهلوی و *اوستا* و فرس قدیم، اصل و منشأ زبان فارسی است؛ اما این دلیل نمی‌شود که کلماتی از آن زبان‌ها که عیناً یا با تحولاتی به زبان فارسی نیامده و استعمال نشده و متروک و فراموش شده‌اند، ما آن‌ها را فارسی امروزی بدانیم. *اوستا* و پهلوی و فرس قدیم برای ما به‌قدر سانسکریت و یونانی و لاتین و یا آلمانی و روسی و فرانسه و انگلیسی بیگانه می‌باشند و اگر از کلمات فارسی جدید، احتیاجات ما برآورده نشود و مجبور به عاریه کردن باشیم، به زبان‌های زنده مراجعه کنیم بهتر است؛ زیرا لااقل می‌دانیم که هم‌اکنون مردمانی هستند که آن الفاظ را به کار می‌برند» (همان: ۴۹ و ۵۰).

کلمه‌ساختن از زبان مرده یا احیای کلمات زبان مرده را که به آن آرکائیسم می‌گویند، ممکن است به عللی قابل توجیه باشد؛ اما نکته‌ای که باید بدان توجه شود، این است که ممکن است از ریشه یا کلمه برگرفته از زبان‌های مرده، نشود با قواعد ساخت کلمه و ترکیب مطابق الگوهای زبانی رایج امروز، کلمه و ترکیب جدید ساخت. در این صورت باید حتماً از این کار پرهیز کرد تا قواعد و الگوهای زبانی مخدوش نشود و بی‌جهت در کار آموزش زبان، خصوصاً در آموزش دستور زبان، اختلال به وجود نیاید. خسرو فرشیدورد (۱۳۸۸-۱۳۰۸) در این باره نوشته است: «کلمه‌ای که از جایی آمده است و ناگزیر اصالتی هم دارد، به مراتب بهتر از لغات جعلی و غیرفصیح و غلطی است که هیچ اصل و نسبی ندارند؛ مثلاً اسکناس (روسی)، کمپیوتر (انگلیسی) و قشون (مغولی) و حمله و دفاع (عربی)، بهتر است از رایانه و

ارتش و پدافند و تک به اصطلاح فارسی که یا غلطند یا غیر فصیح» (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۲۶۹).

«رایانه» در زبان پهلوی

در زبان پهلوی، «رایانه» به کار نرفته است. کلماتی که از rāyēnīdan و ماده مضارع آن rāyēn در فارسی میانه به کار رفته، به این شرح اند:

در فرهنگ زبان پهلوی، کلمه «rāy» کوشش و جدّ و جهد معنی شده است. «رای» در مدخلی جداگانه به معنی را (= نشانه مفعول)، به علت، برای، به جهت نیز آمده است. این مدخل‌ها ربطی به موضوع بحث ما ندارند.

مدخل‌های دیگری که جزء اصلی آن‌ها «رای» است، در فرهنگ زبان پهلوی به چشم می‌خورد:

رایناک [rāynāk]: حاکم، فرمانروا، نظم و ترتیب‌دهنده، مدیر، سامان‌دهنده

راینیهتن [rāyēnīhītan]: فرمانروایی کردن، نظم و سامان بخشیدن، مرتب کردن،

اداره کردن، راهنمایی کردن

راینیشن [rāyēnišn]: ۱. نظم، سامان، ترتیب؛ ۲. آمادگی، پیشبرد

راینیت کرتن [rāyēnīt kartan]: سامان دادن، نظم دادن

راینیتن [rāyēnītan]: حرکت دادن، راندن، پیش‌بردن، ادا مه‌دادن، تهیه کردن،

اداره کردن، نظم و سامان دادن، ترتیب‌دادن، رهبری کردن، حکمرانی کردن،

فرمان دادن، سوق دادن

راینیتار [rāyēnītār]: رهبر، نظم و سامان‌دهنده، مدیر

راینیتار یه [rāyēnītārīh]: فرمانروایی، نظم و ترتیب، سامان‌دادگی، رهبری،

اداره، مدیریت

راینیشن [rāyišn]: نظم، سامان

رایومند [rāyōmand]: باشکوه، مجلل، دارای جلال الهی، شکوهمند، درخشان

(این مدخل ارتباطی با قبلی‌ها ندارد) (فروه‌وشی، ۱۳۴۶).

نیبرگ^۱ (۱۸۸۹-۱۹۷۴) نیز مدخل‌های rāyēnītan, rāyēnišn, rāynāk و rāyēnītārēh و rāyōmand و مکنزی^۲ (۱۹۲۶-۲۰۰۱) مدخل‌های rāyēnāg و rāyēnīdan, rāyēnišn, rāyēnīdārīh و rāyišn و rāyōmand را به معانی مشابه و نزدیک به آنچه در فرهنگ زبان پهلوی دیده‌ایم، آورده‌اند. فریدون وهمن (۱۳۱۲-) نیز در *واژه‌نامه ارتای ویرازنامک*، کلمات rāyēnīdan و rāyēnīd را به معنی ترتیب‌دادن، مرتب‌نمودن و ترتیب داد ضبط کرده‌است (وهمن، ۱۳۵۵: ۱۲۹).

در بین این کلمات و ترکیب‌های پهلوی که در منابع آمده (جز ناظم‌الاطباء)، «رایانه» و حتی «رایان» و «رایا» نیز دیده نمی‌شود و نمی‌توانیم بگوییم «رایانه» عیناً کلمه‌ای است که از زبان پهلوی گرفته‌اند و برابر کامپیوتر گذاشته‌اند؛ بنابراین، راهی نمی‌ماند جز اینکه بگوییم با استفاده از مادهٔ مضارع پهلوی «رای»، کلمهٔ جدید را ساخته‌اند.

طبعاً ساختن کلمه‌ای مانند رایانه که مشتق است، باید در زبان فارسی امروز مبتنی بر قواعد دستوری زبان امروز صورت پذیرد و مطابق با الگویی رایج و شناخته باشد. بر این امر، در «اصول و ضوابط کلی واژه‌گزینی» مصوب فرهنگستان سوم نیز تأکید شده است: «در واژه‌گزینی باید قواعد دستور زبان فارسی فصیح و متداول امروز مراعات شود» (شورای فرهنگستان، ۱۳۷۴: ۷).

در دستور زبان فارسی، «مشتق، کلمهٔ غیربسیطی است که از الحاق ضمیمه به کلمه یا نیمه کلمه‌ای به دست می‌آید؛ مانند: ناگوار، تهرانی، دانا... مشتق گاهی به وسیلهٔ حذف ضمیمه از کلمه‌ای حاصل می‌شود؛ مانند: «ساخت» از «ساختن» و گاهی هم از راه تبدیل واجی به واجی دیگر به وجود می‌آید؛ مانند: تبدیل «ی» به «ا» در خیز و خاست» (فرشیدورد، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

1. Henrik Samuel Nyberg
2. David Neil Mackenzie

«از مادهٔ مضارع بعضی فعل‌ها نیز کلمه‌ای با افزودن پسوند «ه» (بیان حرکت) ساخته می‌شود که معنی «اسم آلت» دارد؛ یعنی ابزاری که با آن کار را انجام می‌دهند؛ مانند: ماله از مالیدن، پوشه از پوشیدن» (ناتل خانلری، ۱۳۶۴: ۱۷۱).

فرشیدورد در مبحث ساختمان‌های فعال پسوندی، «ان و آنه» را با این توضیحات آورده است: «ان فاعلی که به ریشهٔ مضارع می‌چسبد و صفت فاعلی می‌سازد؛ مثل: نالان.

ان مصدری و آداب و رسوم، مانند: آب‌بندان، عقدکنان، گل‌ریزان، بله‌بران که در واقع، نوعی «ان» فاعلی است؛ ولی در این موارد برای ساختن اسم به کار می‌رود، نه صفت.

انه مشابَهت و نسبت: مانند عاقلانه و محترمانه که در این حال، پسوند قیدساز است و به‌طور فعال صفت را بدل به قید می‌کند. گاهی این پسوند، اسم را بدل به اسم یا صفت می‌نماید؛ ولی در این صورت، چندان فعال نیست؛ مانند: صبحانه، عصرانه، شاگردانه» (فرشیدورد، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

«پسوند قیدساز و صفت‌ساز «انه»: این عنصر به‌طور فعال به صفت می‌چسبد و قید و صفت می‌سازد و بر نسبت و دارندگی دلالت می‌کند. مثال: عالمانه، جاهلانه، مستانه، دوستانه و غیره.

این پسوند به‌طور غیرفعال به اسم هم می‌چسبد و اسم یا صفت می‌سازد: صبحانه، شاگردانه، شبانه، روزانه.

بنابراین، الحاق این عنصر به اسم یا ریشهٔ فعل، سماعی است نه قیاسی و از این رو نمی‌توان به‌طور فعال و قیاسی، آن را به اسم و ریشهٔ فعل چسباند و از آن صفت ساخت. به این جهت، ساختن کلماتی مانند: کارانه (حقّ التَّحْقِيقِ)، آموزانه (حقّ التَّدْرِیسِ) و پژوهانه برخلاف قاعده و ذوق است» (همان: ۲۸۰ و ۲۸۱)

فرشیدورد ساختن کلمات از زبان‌های مرده و حتّی‌احیای اجزای مردهٔ زبان رایج را که در گذشتهٔ دور در زبان فارسی به کار می‌رفته‌اند، نادرست دانسته و مشخصاً تأکید

کرده است که کلمه «رایانه» نادرست است: «با لغات و پسوندها و پیشوندهای مرده قدیم، اعم از آنکه اوستایی یا پهلوی یا عربی یا فارسی دری باشند، نباید لغت ساخت؛ بنابراین، لغاتی مانند «رایانه» (کامپیوتر) و «رسانه» (با پسوند مرده اسم آلت) مناسب نیستند» (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۱۰۹).

«-انه (ان + ه) (انک) این پسوند مرکب به این معنی‌ها می‌آید:

۱. به معنی فاعلی و حالت مانند: دوانه و... در این معنی، غیرفعال است.
۲. برای نسبت به کار می‌رود؛ مثل: مرغانه، ماهانه و... در این حال، غیرفعال است.
۳. پسوند شباهت و نسبت است؛ مانند: مردانه، عاقلانه و... که فعال است.
۴. به معنی لیاقت، نظیر: شاهانه، خسروانه که در این صورت نیز سماعی و غیرفعال است.

۵. به معنی اسم آلت و ابزار؛ مثل: تازانه، تازیانه، پیمانه، تکانه، چغانه که نوعی ابزار موسیقی و همچنین افزار پنبه‌زنی است.

۶. به معنی‌های غیرفعال دیگر؛ مانند: تاوانه (از تاویدن)، افسانه از افسون، شمشخانه به معنی شهاب آسمانی و شخارانه از شخودن.

یادآوری: در لغتنامه، این معانی برای «انه» آمده است: مانند، به‌طور، به‌گونه، لایق، سزاوار، مال، درحال» (فرشیدورد، ۱۳۸۶: ۳۲۷).

چنان‌که ملاحظه می‌شود «رایانه» با هیچ‌کدام از موارد یادشده نسبتی ندارد.

مصطفی مقرب‌بی (۱۳۷۷-۱۲۹۳)، عضو پیوسته فرهنگستان دوم و سوم، در مقاله‌ای که درباره پسوندهای «انه و انی» نوشته، پسوند «ان» را طبقه‌بندی کرده است:

«- پسوند فاعلی و مفعولی و اسم مصدر پس از بُن مضارع فعل: گریان، آویزان، چران و خیزان (= چرش و خیزش)

- پسوند نسبت

- مطلق نسبت پس از اسم

- نسبت فرزند به پدر یا نیا یا خاندان

- نسبت و زمان (هنگام): بهاران، سحرگاهان

- نسبت و جای: گیلان

- نسبت و شباهت: جانان

- پس از صفت: مستان

- برای تقویت معنی مکان و زمان به اسم افزوده می‌شود: کوهساران

«آنه» پسوندی مرکب از «آن» نسبت + «ه» نسبت است که پس از اسم و صفت می‌آید» (مقرّبی، ۱۳۷۳: ۱۷ و ۱۸).

چنان که ملاحظه می‌شود، در طبقه‌بندی وی نیز هیچ جایی برای توجیه «رایانه» وجود ندارد.

ایران کلباسی (۱۳۱۸-) نیز که از اعضای فرهنگستان سوم است، در طبقه‌بندی پسوند «انه»، مجالی برای ساختن کلمه «رایانه» ندیده است: «این وند (-آنه) سه گونه... دارد: یک. در معانی زیر با اسم (عصرانه)، صفت (ابلهانه) یا ستاک حال فعل (روانه) ترکیب می‌شود و اسم (صبحانه)، صفت (مردانه) یا قید (داوطلبانه) می‌سازد، معنی فاعلی: روانه، معنی قابلیت: شاهانه، معنی شباهت: عاشقانه، عاقلانه، بخردانه، ابلهانه، پدرانه...، معنی نسبت: شبانه، روزانه، ماهانه... این وند بسیار زیاست» (کلباسی، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

«رای» در «رایانه»، نه اسم است و نه صفت. ستاک حال نیز نیست و در هیچ فعلی به کار نرفته است که بتوان با پسوند «انه» با آن ترکیبی، مانند «صبحانه، مردانه و روانه و...» ساخت تا معانی فاعلی، قابلیت، شباهت و نسبت پیدا کند.

علی اشرف صادقی (۱۳۲۰-) نیز که زبان‌شناس، دستورنویس، فرهنگ‌نویس و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است، کلمه رایانه را تأیید نمی‌کند. وی در مبحث پسوند «ه» به کلمه مورد بحث ما نیز پرداخته است: «ه به بن مضارع افعال ملحق می‌شود و اسم آلت و اسم می‌سازد. افعالی که از آن‌ها اسم آلت ساخته می‌شود، همه متعدی یا سببی هستند: مال ← ماله، تاب ← تابه (از فعل تافتن = تاب‌دادن). کلمات

زیر در دهه‌های اخیر، طبق همین الگو ساخته شده‌اند: پالایه (صافی، از ساخته‌های فرهنگستان اول)، رسانه (وسیلهٔ رساندن خبر و پیام)، رایانه (کامپیوتر، از فعل رایانیدن، از rāyēnīdan پهلوی به معنی مرتب و منظم کردن، از ساخته‌های فرهنگستان دوم)، سنجه (meter)» (صادقی، ۱۳۷۱: ۱۶).

لازم است یادآوری شود که «پالای و سنج» مادهٔ فعل‌اند؛ اما «رایان» مادهٔ فعل در زبان فارسی نیست که با افزودن «ه» به آخر آن بشود کلمه‌ای مطابق الگوی «پالایه و سنجه» ساخت.

ژیلبر لازار^۱ (۱۹۲۰-۲۰۱۸) نیز در دستور زبان فارسی معاصر، در بحث پسوندها مجالی برای ساخت «رایانه» نمی‌شناسد: «انه از صفات (مربوط به اشخاص) یا از اسم، صفت- قید می‌سازد (که به‌عنوان صفت، تنها می‌تواند با اشیا (یا اسامی معنی) به کار رود). این پسوند در زبان ادبی، زایایی بسیار دارد. مثال: عاقل ← عاقلانه، صوفی ← صوفیانه، استاد ← استادانه... نیز می‌تواند به اسم مرکب و مشتق بپیوندد. مثال: جنایتکار ← جنایتکارانه، بخرد ← بخردانه» (لازار، ۱۳۸۴: ۳۰۲ و ۳۰۳).

تا اینجا دیدیم که استادان زبان و ادب فارسی، دستورنویسان سنتی و مدرن، فرهنگ‌نویسان، زبان‌شناسان و خصوصاً اعضای فرهنگستان‌های دوم و سوم، ساخت کلمهٔ «رایانه» را تأیید نمی‌کنند. ساختن اسم ابزار از مادهٔ سببی در فارسی میانه هم سابقه ندارد؛ اما ماجرا به اینجا ختم نشده است. کلمه‌ای غلط، به هر علتی وقتی رایج و فراگیر شد و اهل زبان آن را فهمیدند یا به هر صورت به کار بردند، دیگر نباید غلط تلقی شود؛ اما اگر قرار باشد این ساخت غلط، موجب ساخت کلمات غلط دیگری شود، تا جایی که قواعد زبان را تحت تأثیر قرار دهد و در امر آموزش اختلال ایجاد کند، باید برای آن فکری کرد.

رایانشی

در نیمه دوم دهه ۸۰، عده‌ای از استادان زبان‌شناسی دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف، اقدام به تأسیس گروهی آموزشی در دانشگاه صنعتی شریف و سپس در دانشگاه تهران کردند و نام آن را «گروه زبان‌شناسی رایانشی» گذاشتند. ترکیب جعلی «زبان‌شناسی رایانشی» اولین بار در سال ۱۳۸۷ در فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر پنجم منتشر شده است. جعل کلمه غلط «رایانشی» که خلاف قاعده ساخته شده، تبعات نامطلوبی دارد، خصوصاً قواعد دستور زبان فارسی را هدف گرفته است. استادان فرهنگستان و دانشگاه‌های شریف و تهران، «رایان» را ماده فعل تلقی کرده‌اند و در آخر آن پسوند «ش» را افزوده و از آن اسم مصدر ساخته‌اند. سپس با افزودن یای صفت‌ساز به آن، از آن صفت ساخته و نوع زبان‌شناسی مدنظرشان را موصوف آن قرار داده‌اند. پس از این نیز در سال‌های بعد، از «رایانش» و «رایانشی»، کلمات و ترکیبات دیگری تصویب و منتشر کردند: «رایانش قانونی» (۱۳۸۸)، «رایانش همه‌جاگاه ubiquitous computing) با برابر اختصاری: همارایانش (u-computing)، زبان‌شناسی رایانشی (تکراری؟)» (۱۳۹۴)، «رایانش، رایانش ابری، رایانش احساسات، رایانش توزیع‌شده، رایانش خودگردان، رایانش شبکه‌ای، رایانش شبکه‌وار، رایانش طبیعت‌نگر، رایانش موازی، رایانش نمادبنیاد، رایانش واژه‌بنیاد» (۱۳۹۵)؛ «رایانش بافت آگاه، رایانش توان آگاه، رایانش شناختی، رایانش همراه» (۱۳۹۷).

در کتاب‌های دستور، درباره اسم مصدر و طرز ساخت آن آورده‌اند: «ش / eš- (و گاهی در زبان عامیانه شت / ešt-) به ریشه ۱ فعل (ریشه مضارع) افزوده می‌شود و اسم مصدر می‌سازد (و گاهی اسم ذات). مثال: خواستن / خواه - خواش، رفتن / رو - روش، خوردن / خور - خورش (خورشت)، بریدن / بر - برش (برشت)، کاویدن / کاو - کاوش (لازار، ۱۳۸۴: ۲۹۳ و نیز رکت: کلباسی، ۱۳۸۰: ۱۰۸ و ۱۰۹). چنان‌که می‌بینیم، تمام شواهد، مربوط به ماده یا ریشه افعالی است که آن

افعال در زبان رایج به کار می‌روند. از این گذشته، این پسوند را نیمه‌فعل دانسته‌اند؛ یعنی نباید از آن‌ها در ساختن کلمات جدید استفاده کرد و نکته مهم‌تر اینکه تأکید کرده‌اند این پسوند به هر فعلی هم نمی‌چسبد: «...ش مصدری مثل: کوشش، روش که پسوندی است نیمه‌فعل» (فرشیدورد، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

«...ش (aš و eš) پسوند نیمه‌فعل مصدری است که معمولاً به ریشه مضارع می‌پیوندد؛ مانند: آفرینش، آموزش.

این پسوند در قدیم، کاربرد بیشتری داشته و با آن، کلماتی ساخته شده است؛ مانند: کشش، بودش، بوش، آویزش (به معنی گلاویز شدن و جنگ)، تبش (به معنی حرارت)، پناهش «پناه» (از فعل پناهندن) و رهایش (برخلاف قیاس).

یادآوری ۱. پسوند «ش» در گذشته و حال، به نادرست و برخلاف قاعده، به صفت یا عناصر دیگر هم چسبیده است؛ مانند: پیدایش، رهایش، بودش، گنجایش، رامش، انجامش، باشش، نرمش.

یادآوری ۲. پسوند «ش» در زبان فصیح، به بسیاری از فعل‌ها نچسبیده است. از آن جمله به افعال: خواندن، آختن، آشفتن، افراشتن، نشستن، نهفتن، جنگیدن، فهمیدن، افتادن، گفتن و بسیاری دیگر. یعنی خوانش و آزش و آشوبش و گویش در آثار فصیحان به کار نرفته است» (فرشیدورد، ۱۳۸۶: ۳۵۹، ۳۶۰ و ۳۶۲).

معین (۱۳۵۰-۱۲۹۳) در تعریف «ش» آورده است: «اسم این شین را شین مصدری نامند» (معین، ۱۳۶۳: ۲۰). او اسم مصدر را چنین تعریف کرده است: «اسمی است مشتق از فعل و دال بر معنی ای مصدر گونه، مانند دانش، خنده، کردار، کشتار» (همان: ۱۱)؛ نیز نک: صادقی، ۱۳۷۰: ۲۸). صادقی بحث مفصلی در این باره دارد: «تمام افعال فارسی دارای مصدرند؛ اما تنها از بعضی از افعال، اسم مصدر به کار رفته است. نیاز به بیان مفاهیم علمی جدید در دهه‌های اخیر، متخصصان رشته‌های مختلف را بر آن داشته تا در برابر مصدرهای انگلیسی مختوم به -ing, -ness, -ity, -ion- و غیره، از آن دسته از افعال فارسی که اسم مصدر از آن‌ها ساخته نشده و یا اگر ساخته شده، به معنای

متفاوتی به کار می‌رفته است، اسم مصدرهای تازه‌ای بسازند. در اینجا تعدادی از این اسم مصدرها را که در رشته زبان شناسی متداول است، نقل می‌کنیم: آرایش، بندش، توانش، خوانش، دمش، رهش، زایش، زنش، سایش، کشش، کنش، گرایش، گیرش، لرزش. کلمه گویش نیز در دهه‌های اخیر ساخته شده؛ اما به عنوان اسم و به جای لهجه به کار می‌رود» (صادقی، ۱۳۷۰: ۲۹).

«نکته مهمی که درباره این پسوند گفتنی است، این است که در دهه‌های اخیر، عده‌ای از متخصصان رشته‌های مختلف، بنا به نیاز، در برابر تعدادی از مصدرها و اسم مصدرهای انگلیسی و فرانسه، از تعدادی از اسم‌ها و صفات فارسی مصدر ساخته و از این مصدرها اسم مصدر مشتق کرده‌اند. تعدادی از این اسم مصدرها از این قرار است: اکسایش، برکش، دیالیزش، دیرش، قطبش، گرمایش، والایش، یونش. باید توجه داشت که الحاق پسوند -es به صفات و ندرتاً اسم‌ها در چند کلمه در فارسی قدیم و امروز نیز دیده می‌شود... گرمش به معنی گرمی، ...رهایش به جای رهایی، ...پیدایش به معنی پیدایی، ...چربش به معنی چربی، ...سرگیجش به معنی سرگیجه، یا گیجی، ...رامش به معنی آرامش، و ...نرمش به معنی انعطاف... تفاوت این کلمات با اکسایش، برکش و نظایر آنها در این است که کلمات اخیر، همه از اسم مشتق شده‌اند؛ در حالی که کلمات... پیدایش و غیره اساساً از صفات گرفته شده‌اند... تنها «رامش» است که -es در آن به اسم ملحق شده است؛ اما از روی فعل *rāmānīdan* پهلوی به معنی شاد کردن، آرامش بخشیدن، آرام کردن، می‌توان دریافت که کلمه «رام» در زبان پهلوی، نقش صفتی نیز داشته و در رامش -es به «رام» به عنوان صفت چسبیده است» (همان: ۳۰). صادقی درباره چند ترکیب که خلاف قاعده ساخته شده‌اند، بحث می‌کند و در پایان تأکید دارد که «در هر حال، کلیه این مثال‌ها استثنا هستند و نمی‌توان به قیاس با آنها ترکیبات جدیدی ساخت. ترکیب تازه ساخته شده «همایش» که ظاهراً در فرهنگستان سابق، آن را از عبارت فعلی «گرد هم آمدن» مشتق کرده‌اند، بدون توجه به الگوهای واژه‌سازی فارسی است»^(۳) (همان: ۳۱).

چنان که می‌بینیم، صادقی نیز ساختن کلمه‌ای مانند «رایانش» را همچون «همایش» نادرست می‌داند؛ چرا که «بدون توجه به الگوهای واژه‌سازی فارسی» ساخته شده است. اگر «رایان» مادهٔ مضارع بود، طبعاً باید مشتقات فعلی این کلمه در زبان فارسی به کار می‌رفت. هیچ فارسی‌زبانی تاکنون افعالی از قبیل رایاندم، برایان، می‌رایانم و... نشنیده و به کار نبرده است؛ بنابراین، ساختن «رایانش/ رایانشی» وجهی ندارد.

نکتهٔ مهم این است که ساختمان این کلمه، توجیه‌پذیر نیست و این امر، آموزش زبان و دستور زبان را مختل می‌کند. علاوه بر «اصول و ضوابط واژه‌گزینی مصوب فرهنگستان سوم»، استادان زبان‌شناس و ادیب بر این امر تأکید کرده‌اند که باید از ساختن کلماتی که مطابق قواعد زبان نیست، پرهیز کرد: «اگر لفظی است که تازه ساخته می‌شود، ساختمان آن فارسی باشد و غلط نباشد» (فروغی، ۱۳۱۶: ۴۲). «ساختمان لفظ واقعاً فارسی باشد؛ یعنی غلط نباشد و موافق قواعد و طبیعت زبان فارسی باشد. دیگر اینکه، معنی آن برای ایرانیان معلوم یا قابل فهم باشد» (همان: ۵۲). تبعات نامطلوب این واژه‌سازی‌های نادرست، در آموزش زبان رخ می‌نماید. بنا بر قواعد دستور زبان فارسی، دانش آموز باید یاد بگیرد که با افزودن ـش به مادهٔ یا ریشهٔ مضارع فعل، اسم مصدر ساخته می‌شود؛ اما اگر این کلمات جعلی را بپذیریم، دانش آموز باید در کنار آن، تبصره‌ای را هم به این مضمون در نظر داشته باشد: «البته کلماتی هم هستند که ریشهٔ فعل نیستند و با افزودن ـش به آن‌ها می‌شود اسم مصدر ساخت». آشکار است که این اساساً ناقض قاعده است، نه تبصره و لابد باید فهرست این کلمات جدید را چند سال یک بار به‌روزرسانی کرد و در اختیار زبان آموز گذاشت تا قاعدهٔ ساخته شدن اسم مصدر را که علمای دستور از ساختار زبان دریافته و استخراج کرده‌اند، به کلی بی‌اثر کند. «بدترین کلمات، آن‌هایی هستند که یا جعلی‌اند و هیچ اصل و نسبی ندارند... یا برخلاف قواعد معنایی و دستوری زبان فارسی ساخته شده‌اند و سبب درهم‌ریختن نظام معنایی و دستوری زبان فارسی می‌گردند... این‌ها هم نوعی غلطند و برخلاف روح زبان فارسی‌اند» (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۲۶۹).

اسم مصدرهایی که صادقی اشاره کرده است که متخصصان حوزه‌های مختلف علمی بنا بر نیاز، خصوصاً از زبان‌های دیگر ساخته‌اند، در اصل، ایده و ابتکار محمد مقدم (۱۳۷۵-۱۲۸۷) بوده است. او در سال ۱۳۴۱ در سخنرانی «آینده زبان فارسی» پیشنهاد می‌کند از اسم، فعل ساخته شود؛ با این تفاوت که معتقد است ماده فعل نیز باید از اصل فارسی باشد (رک: باطنی، ۱۳۷۲: ۲۳۱ و ۲۳۲)؛ اما مدافع و پروراندۀ اصلی این ایده، محمدرضا باطنی است. او با انگیزه و رویکرد افزایش توانایی‌های زبان فارسی و برطرف ساختن کاستی‌های زبان، پیشنهاد کرده است که از «اشتقاق» استفاده کنیم؛ یعنی بتوانیم از اسم یا صفت فارسی و غیرفارسی، فعل و از فعل نیز اسم یا صفت بسازیم (رک: همان: ۲۲۳). باطنی در توجیه نیاز به استفاده از اشتقاق نوشته است: «۱. در فارسی فقط فعل‌های ساده یا بسیط هستند که زایایی دارند؛ یعنی می‌توان از آن‌ها مشتق به دست آورد. ۲. در فارسی امروز، دیگر فعل‌های ساده ساخته نمی‌شود؛ یعنی نمی‌توان به‌طور عادی از اسم یا صفت، فعل ساخت... ۵. از مصدرهای جعلی فارسی، چه آن‌ها که از اسم‌های فارسی ساخته شده‌اند و چه آن‌ها که از واژه‌های عربی ساخته شده‌اند، مشتق به دست نمی‌آید. به بیان دیگر، مصدرهای جعلی، زایایی ندارند. ۶. نتیجه: زبان فارسی برای واژه‌سازی علمی، از زایایی لازم برخوردار نیست و نمی‌تواند یک زبان علمی باشد» (همان: ۲۲۴ و ۲۲۵). وی در ادامه، برای برطرف کردن این مشکل و توانا و زیاکردن زبان فارسی نوشته است: «مهم‌ترین راه و بارورترین روش برای ساختن واژه‌های علمی، ساختن مصدر تبدیلی یا به اصطلاح «مصدر جعلی» است؛ برای مثال، اگر از یون + یون + یدن، فعل یونیدن ساخته شود، می‌توان این مشتقات را به دست آورد: یونیدن، یونیده، یوننده، یونش، یونیدگی» (همان: ۲۳۱). ایشان روش و کار غلامحسین مصاحب را در *دائرةالمعارف فارسی* تأیید کرده است: «فعل‌هایی مانند قطبیدن، اکسیدن، برقیدن و یونیدن را به کار برد و به حق که به کار درستی دست زد» (همان: ۲۳۲). چنان که دیدیم، تأکید باطنی بر «واژه‌سازی علمی» است. وی تصریح کرده است: واژه‌های علمی برای مردم کوچه و بازار ساخته نمی‌شوند و نباید انتظار داشته

باشیم که واژه‌های تازه را همه بفهمند (همان: ۲۳۰). تلقی او از این پیشنهاد این است که راه برای واژه‌سازی در رشته‌های علمی و تخصصی باز شود. از آنجا که این کلمات بین علما و متخصصان علوم مختلف رواج پیدا می‌کند و آن‌ها کاملاً متوجه معنای کلمات جدید می‌شوند، مشکلی پیش نمی‌آید و در ضمن، کلمات جدید با اینکه ریشه غیرفارسی دارند، به جهت ساخت فارسی‌شان بر غنای زبان فارسی و توانایی زبان خواهند افزود. باطنی به اعتراضات و ایرادهای ادیبان نیز توجه کرده و پاسخی به آن اعتراضات داده است: «بعضی از ادیبان ما وقتی که رواج واژه‌هایی نظیر «قطیدن» و «قطبش» و نظایر آن را می‌بینند، دچار تشویش می‌شوند که این جعلیات، زبان شیرین فارسی را خراب می‌کنند، به گنجینه پرارزش ادب فارسی لطمه می‌زنند، رابطه ما را با بزرگان ادب فارسی، چون حافظ و سعدی قطع می‌کنند، در آثار قدما کی چنین چیزهایی آمده است؟ و نگرانی‌های دیگری از همین دست» (همان: ۲۳۲). البته وی با تقلیل نگرانی‌ها یا اعتراضات ادیبان، پاسخ خود را قانع کننده دانسته است.

مهم‌ترین نکته قابل توجه پیشنهاد باطنی، اختصاص این روش برای حوزه تخصصی و علوم است؛ اما اگر از همین ساخته‌های خلاف قاعده، بنا بر طبیعت علم و در جریان توسعه و پیشرفت، کلماتی به زبان مردم راه یابد، قواعد دستور زبان به هم خواهد ریخت و از این نظر، این روش پذیرفتنی نیست. نگرانی ادیبان هم صرفاً کم‌شدن شیرینی و زیبایی زبان فارسی نیست و البته دیدیم که فقط ادیبان نبوده‌اند که نگرانی یا مخالفتشان را با این روش اظهار کرده‌اند.

در زبان فارسی، کلمه انگلیسی و رایج کامپیوتر برای اهل زبان، غرابتی ندارد و چون از زبان بیگانه اخذ شده، سؤال برانگیز نیست؛ درحالی که رایانه را چون ظاهر فارسی دارد، باید معنی کرد و توضیح داد و ساختار غلط آن را توجیه کرد. کاربرد رایانه هم به مراتب کمتر از کاربرد کامپیوتر در بین اهل زبان است. کمتر شنیده شده است که کسی به مغازه‌ای مراجعه کند و بگوید: «آمده‌ام رایانه بخرم». اهل زبان، یعنی فارسی‌زبانان، کامپیوتر می‌خرند. هنوز هم در دانشگاه‌ها دانشکده و رشته کامپیوتر

داریم. در دبیرستان نیز این رشته را با نام کامپیوتر می‌شناسیم، نه رایانه. در کنار المپیادهای فیزیک و ریاضی و... نام المپیاد کامپیوتر به چشم می‌خورد، نه المپیاد رایانه. اساساً تعیین رایانه به جای کامپیوتر، هیچ خدمتی به زبان فارسی نبوده است، بلکه بنا بر آنچه گذشت، مایهٔ زحمت برای اهل زبان و زبان‌آموزان و استادان و دیگران نیز شده است. «لفظ بیگانه که نه فارسی دارد نه عربی، اگر معنی آن مادّی و درشت و ظاهر است و یافتن لفظ فارسی یا عربی مناسب برای آن میسر نشود، همان را می‌توان به کار برد، خاصه اگر در ممالک متعدّد معمول شده باشد؛ یعنی بین‌المللی باشد» (فروغی، ۱۳۱۶: ۴۱). در اصول واژه‌گزینی فرهنگستان سوم نیز بر این امر تأکید شده است: «۷. یافتن معادل برای معدودی از واژه‌های بیگانه متداول در زبان فارسی که جنبهٔ جهانی و بین‌المللی یافته‌اند، ضروری نیست» (شورای فرهنگستان، ۱۳۷۴: ۷).

می‌بینیم که ساخت کلمه‌ای که از اساس، مطابق قواعد زبان فارسی نبوده، چه مشکلاتی به وجود آورده است. خوب است واژه‌سازان با رعایت جوانب و پیش‌بینی‌های لازم، به ساختن واژهٔ جدید اقدام کنند تا چنین تبعات نامطلوبی در پی نداشته باشد. بی‌مناسبت نیست برای حسن ختام، مقاله را با توصیه‌هایی از محمدعلی فروغی، رئیس فرهنگستان ایران، به پایان ببریم: «به عقیدهٔ من، فکر جدّی، تنها این نیست که فرهنگستان در جلسات عمومی خود بنشیند و لفظ و اصطلاح بسازد. اصطلاح را در هر رشته و هر فن، اهل آن فن باید بسازند و به طبیعت باید بسازند و این کاری است که در گذشته، همواره کرده‌اند و هنوز هم شاید می‌کنند و اصطلاحی که اهل فن به طبیعت خود می‌سازند، بسیار جاافتاده و دلپذیر می‌شود؛ مثلاً پیچ و مهره و ماله و رنده، اصطلاحاتی است که آهنگرها و بناها و نجارها خود به صرافت طبع ساخته‌اند، بدون اینکه کسی از آن‌ها بخواهد... برای اصطلاحات علمی هم اهل فن باید این کار را بکنند، مخصوصاً کسانی که کتاب‌های علمی را از زبان‌های بیگانه به فارسی درمی‌آورند، ذمه‌دار ادای این وظیفه می‌باشند؛ زیرا که بهترین اصطلاح آن است که شخص هنگام چیزنویسی می‌سازد. در حینی که مبتلای به ادای مراد و بیان مطلب است

و ذهن او از معنی و مطلبی که می‌خواهد پیروراند پُر است. جز اینکه برای ساختن اصطلاحات علمی، اهل فن بودن به تنهایی کافی نیست. اهل زبان و ادب هم باید بود و هرگاه اصطلاحی را چند نفر هر یک جداگانه بسازند، سرانجام یکی از آن‌ها پسندیده و جاافتاده می‌شود و اذهان می‌پذیرد»^(۴) (فروغی، ۱۳۱۶: ۳۶ و ۳۷).

نتیجه‌گیری

کلمه تازه جعل شده «رایانشی» در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دانشگاه‌ها و وزارت علوم^(۵)، برگرفته از کلمه جعلی «رایانه» است که بدون رعایت قواعد زبان فارسی و معنی کلمه، ساخته شده است. کار کامپیوتر که منحصر به رایاندن به معنی مرتب کردن و نظم دادن نیست. کامپیوتر علاوه بر معنی لغوی آن که «حسابگر» است، بیشتر «پردازشگر» است. «رایانشی» طبعاً باید صفتی باشد که از رایانش (اسم مصدر) + ی صفت ساز ساخته شده باشد. اسم مصدر در زبان فارسی از ماده مضارع + ـش ساخته می‌شود که در این مورد، ماده مضارعی در زبان فارسی (= رایان) وجود ندارد. می‌دانیم که ساختمان مصدر از ماده ماضی/مضارع + تن / دن/یدن تشکیل شده است. در زبان فارسی امروز، مصدر رایانتن/رایاندن/رایاندن وجود ندارد که بتوانیم از ماده ماضی/مضارع آن در ساختن اسم مصدر «رایانش» استفاده کنیم تا سپس صفت «رایانشی» را از آن بسازیم؛ بنابراین، ساخت این کلمه اساساً غلط است و با قواعد زبان فارسی و حتی اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان سوم، یعنی سازنده این کلمه و مشتقات آن، در تعارض است و در امر آموزش زبان و دستور زبان فارسی به زبان‌آموزان، اختلال ایجاد می‌کند، خصوصاً به این دلیل اخیر باید از کاربرد آن پرهیز کرد. استفاده از این کلمه و مشتقات آن، در صورتی درست است که مشتقات فعلی «رایاندن» به معنی مدنظر در زبان فارسی کاربرد داشته باشد. علاوه بر این، ساختن کلمه «رایانه» نیز به این دلیل که برخلاف قواعد زبان پهلوی از ماده مضارع *rāyēnīdan* گرفته شده و در زبان فارسی هم ساخت آن، بنا بر استدلال‌های استادان و نیز اعضای فرهنگستان‌های دوم و سوم توجیهی ندارد، غلط است؛ ولی چون با دستور و اجبار، در

ادارات دولتی و نو شته‌های رسمی و... جا افتاده است و کلمه‌ای است که کاربرد آن فراگیر شده، هرچند در اصل غلط بوده، می‌توان آن را به دلیل کثرت کاربرد، در ست تلقی کرد و به کار برد. پیشنهاد می‌شود به جای به کار بردن کلمه غلط «رایانشی» که تبعات نامطلوبی دارد، اگر استفاده از کلمه «کامپیوتری» به هر جهت مقدور نیست و مجاز شمرده نمی‌شود، لاقلاً از همان کلمه غلط رایج و مشهور «رایانه‌ای» استفاده شود که عوارض کمتری دارد.

پی‌نوشت^۱

۱. بخشنامه درباره‌ی واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی مصوب ۱۳۷۶/۷/۱ معاون اول رئیس‌جمهور: «... مقتضی است کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی... از به کار بردن واژه‌های بیگانه‌ای که در این مجموعه برای آن‌ها معادل فارسی به تصویب رسیده است، خودداری نمایند» (سامان. ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران <https://qavanin.ir/law/TreeText/89868>)؛ ابلاغ مجموعه واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به تمامی دستگاه‌های اجرایی برای جانشینی اصطلاحات و واژه‌های بیگانه، مصوب ۱۳۷۷/۹/۲۹ معاون اول رئیس‌جمهور (سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران <https://qavanin.ir/law/TreeText/94836>)؛ تکلیف تمامی دستگاه‌های اجرایی در خودداری از به کار بردن واژه‌های بیگانه در مورد مجموعه واژه‌های مربوط به حمل و نقل هوایی ۲ و تخصصی رایانه ۱ که به تصویب فرهنگستان زبان و ادب فارسی رسیده است. مصوب ۱۳۸۱/۲/۷ رئیس‌جمهور (سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران <https://qavanin.ir/law/TreeText/106891>). این بخشنامه‌ها با قانون مصوب مجلس به تاریخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ به صورت ماده واحد پشتیبانی و تأکید شد و مجازات متخلفان از آن نیز تعیین شد: «قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه... به منظور حفظ قوت و اصالت زبان فارسی... دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی کشور و سازمان‌ها و... موظف‌اند از به کار بردن کلمات و واژه‌های بیگانه... خودداری کنند و همچنین استفاده از این واژه‌ها... ممنوع است... تبصره ۶. چاپخانه‌ها، مراکز طبع و نشر، روزنامه‌ها و سایر مطبوعات، مکلف به رعایت این قانون هستند و در صورت تخلف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است مطابق تبصره هشتم همین قانون، با آن‌ها رفتار کند... تبصره ۸. تولید و توزیع کنندگان کالاها و صاحبان مراکز کسب و پیشه، در صورت تخلف از این قانون، به ترتیب به مجازات‌های زیر محکوم خواهند شد: الف. اخطار کتبی...؛ ب. تعویض... و تغییر اسامی و عناوین... با هزینه متخلف؛ ج. تعطیل موقت محل کار؛ د. لغو پروانه کار».

۱. با سپاس از راهنمایی‌های استادان بزرگوار آقایان دکتر مجتبی منشی‌زاده، دکتر علی درزی و دکتر ناصر رحیمی.

لازم است همین‌جا تأکید شود که دستور دادن و الزام کردن در امر زبان که به عموم مردم یا همان اهل زبان مربوط می‌شود، کار نادرستی است. کلمات یا ساخت‌های جدید زبانی باید به‌طور طبیعی در بستر کاربرد عادی اهل زبان رواج یابد یا به عللی از زبان کنار گذاشته شود. دستور دادن در این زمینه، دخالت بیجایی است که مایه ایجاد اختلال در زبان می‌شود و هیچ توجیهی ندارد. «نسبت به الفاظی که اداری نیست، استعمال آن‌ها از طرف دولت امر نشود و به اعلانی که از طرف فرهنگستان می‌شود و کتابچه‌هایی که انتشار می‌یابد، اکتفا کنند تا... آن الفاظ تدریجاً جزء زبان شود» (فروغی، ۱۳۱۶: ۳۰).

۲. تکلیف به همه دستگاه‌ها در خصوص به کاربردن واژه پارانه به‌جای سوبسید در متن مقررات، دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، لایحه‌ها و نامه‌ها و نوشته‌های رسمی، مصوب ۱۳۷۴/۸/۳۰ معاون اول رئیس جمهور: «نظر به اینکه شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه فارسی (پارانه) را در برابر (سوبسید) (subside) پذیرفته و تصویب کرده است، دستور فرمایید از این پس در متن مقررات، مانند آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها و لایحه‌ها، همچنین در نامه‌ها و نوشته‌های رسمی، به‌جای (سوبسید)، واژه (پارانه) به کار برده شود. حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور» (سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران <https://qavanin.ir/law/TreeText/90675>).

بهاء‌الدین خرّمشاهی، عضو پیوسته فرهنگستان سوم، روایتی از ساخته‌شدن و ابلاغ این واژه دارد: «پارانه (برساخته از یاری + انه پسوند اسم ساز)، بنده این کلمه را... در گروه واژه‌گزینی و سپس در شورای عالی فرهنگستان... مطرح کردم و به اتفاق آرای حاضران برگزیده شد. این کلمه در مقابل سوبسید است. به یاد دارم که این اولین و تنها واژه‌ای بود که استاد دکتر حسن حبیبی که هم معاونت اول ریاست جمهوری و هم ریاست (دوره اول) فرهنگستان را داشتند، به هیئت دولت بردند و صلاح دانستند که برای طرح واژه بیگانه و پربسامد سوبسید، با صدور بخشنامه‌ای، کاربرد آن را توصیه کنند. گفتمی است که مولانا جلال‌الدین محمد، این کلمه را یک بار در غزل‌هایش به کار برده است؛ ولی پیدا است که او آن را منسوب به «پار» (و نه «یاری») ساخته است» (خرّمشاهی، ۱۳۷۸: ۲۱۵). چنان‌که خرّمشاهی توضیح داده است، جزء نخست کلمه‌ای که در غزل مولوی آمده، پار است، نه یاری و معنای آن هم طبعاً کمک و یاری نیست. البته باید بیفزاییم که با جست‌وجویی ساده در نرم‌افزاری مانند درج می‌بینیم که سابقه این کلمه در متون فارسی، بیش از آن است که خرّم‌شاهی اشاره کرده است. این کلمه در غزلیات شمس شش بار آمده و در دیوان‌های شاعران دیگر، مانند امیرخسرو دهلوی، ابن‌یمین فریودی، سیدای نسفی، عبدالرحمان جامی، صائب تبریزی، بیدل دهلوی، اهللی شیرازی، فیاض لاهیجی و کلیم کاشانی به همان معنی منسوب به یار، به کار رفته است. ۳. البته این اصطلاح در فرهنگستان سوم هم رایج است و خود فرهنگستان، «همایش» برگزار می‌کند، هرچند با اصول واژه‌گزینی مصوب همین فرهنگستان در تعارض است و عضو فرهنگستان هم بر نادرست بودن آن تأکید کرده است.

۴. برای مقایسه ساخته‌های اهل زبان و آنچه متخصصان فرهنگستان ساخته‌اند، فهرستی از ساخته‌های فرهنگستان سوم را در موضوع مورد بحث ببینیم: «رایانه جیبی، رایانه خانگی، رایانه رومیزی، رایانه شبکه‌ای، رایانه شخصی، رایانه کتابی، رایانه کیفی» (ذیل رایانه قید شده: پیشنهاد فرهنگستان دوم است) (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۴: ذیل

رایانه)؛ «رایانه همپا، رایانه هم‌زمان» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۶)؛ «رایانه‌باز، رایانه داده‌های پرواز، زبان‌شناسی رایانشی (computational linguistics)» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۷)؛ «رایا آزارگر، آزارگر رایانه‌ای، رایا آزاری، رایافزار، رایابرگری، رایابنگاه، رایابیم، رایاجراحی، رایاجهان، رایاسپهر، رایاشرکت، رایاکارت، رایاگپ، رایاگپ‌سرا، رایامردم‌نگاری، رایانش قانونی، رایانورد، رایانیک، رایانیک‌دان، رایانیک‌شناس، رایانیکی، رایاوند، رایاهراسی» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸)؛ «رایاپدافند، رایاتک (cyber attack)، رایاتهدید، رایاجاسوسی، رایاجنگ، رایارزمگاه، رایاسالاری، رایاسرباز، رایاسلاح» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۹)؛ «رایاختمان (cybernome)، رایاختمان‌شناسی (cybernomics)» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۹۰)؛ «رایانه‌ای‌ساز فراگیر» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۹۱)؛ «رایاسلامت» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۹۲)؛ «رایادیلماسی» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۹۳)؛ «رایارژیم (e-diet)، رایانش همه‌جاگاه (ubiquitous computing) با برابر اختصاری: همارایانش u-computing»، زبان‌شناسی رایانشی» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۹۴)؛ «رایاسنجی، رایانش، رایانش ابری، رایانش احساسات، رایانش توزیع‌شده، رایانش خودگردان، رایانش شبکه‌ای، رایانش شبکه‌وار، رایانش طبیعت‌نگر، رایانش موازی، رایانش نمادبنیاد، رایانش واژه‌بنیاد، رایانک، رایان‌گوشی (phablet)، رایانه پوشیدنی» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۹۵)؛ «رایا کتاب (e-book) با برابر اختصاری رایاک، رایانش بافت آگاه، رایانش توان آگاه، رایانش شناختی، رایانش همراه، رایانک‌گیر (padlette)، رایانه یک‌تکه (all-in-one-computer) با برابر اختصاری رایاک (ALO)» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۹۷)؛ «رایانامه، رایانامه جاسوسی، رایانشانی» (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۹۸)؛ «رایانامه» معادل جدید برای ایمیل است. فرهنگستان سوم قبلاً «پیام‌نگار» را در برابر این کلمه ساخته و تصویب کرده بود. (← گروه واژه‌گزینی، ۱۳۷۶: ۱۵، ۳۱ و ۵۴)؛ «رایا بالکانی سازی، رایانامه واگشتی، رایانامه واگشتی دائمی، رایانامه واگشتی موقتی، رایانه بدنه ← واپیشگر بدنه، رایانه‌های اصلی پرواز (اختصاری: راپ)» (گروه واژه‌گزینی، ۱۴۰۱). میزان درک و فهم عموم از این ترکیبات و نیز کاربرد آن‌ها در جامعه فارسی‌زبانان جای سؤال دارد و نکته مهم‌تر اینکه این بر ساخته‌های فرهنگستان را چنان‌که دیدیم، حتی اعضای آن قبول ندارند. با این وضع می‌شود پیش‌بینی کرد بنا بر الگوهای موجود، از این اسم‌مصدر (مجمعول و غلط) بعد از کلماتی مانند رایانشگر، رایانشکار، رایانشمند، رایانشور، رایانشجو، رایانشگاه و... (در قیاس با پژوهشگر، سازشکار، روشمند، دانشور، دانشجو و دانشگاه) نیز ساخته شود و لابد باید این کارها را در جهت توسعه زبان فارسی تلقی کرد.

۵. در دفترچه راهنمای کنکور کارشناسی ارشد که سازمان سنجش وزارت علوم هر سال منتشر می‌کند، این نام به‌عنوان نام گروه آموزشی درج می‌شود.

منابع

- آریان‌پور کاشانی، عباس و منوچهر آریان‌پور کاشانی (۱۳۶۷)، فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی، چ ۱۲، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، ۱۵ ج، تهران: دانشگاه تهران.

از رایانیتن تا رایانشی نقش دستور زبان و الگوهای زبان فارسی در واژه‌گزینی ————— ۳۹۱

- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، استفاده از اشتقاق در واژه‌سازی علمی، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، (زیر نظر علی کافی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۲۲۱-۲۳۵.
- باطنی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰)، فرهنگ معاصر پویا، چ ۲، تهران: فرهنگ معاصر.
- حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر هزاره، چ ۵، تهران: فرهنگ معاصر.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۸)، از واژه تا فرهنگ، تهران: ناهید.
- شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۷۴)، اصول و ضوابط کلی واژه‌گزینی «مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۳/۷/۱۱ فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، خبرنگارنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سال ۱، شماره ۱. ص ۷.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۰)، شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر ۳، نشر دانش، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۲۸-۳۳.
- _____ (۱۳۷۱)، شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر ۶، نشر دانش، سال ۱۲، شماره ۵، صص ۱۵-۱۹.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۹۲)، دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، چ ۴، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۸۰)، لغت‌سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- _____ (۱۳۸۶)، فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی، تهران: زوآر.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۴۶)، فرهنگ زبان پهلوی، چ ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۱۶)، پیام به فرهنگستان، تهران: دبیرخانه فرهنگستان.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۰)، ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- گروه واژه‌گزینی (۱۳۷۶)، واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه‌های عمومی-۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- گروه واژه‌گزینی (۱۳۸۴)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر اول، چ ۲، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر چهارم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۸۷)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر پنجم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۸۸)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر ششم، تهران: نشر آثار.

- _____ (۱۳۸۹)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر هفتم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۹۰)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر هشتم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۹۱)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر نهم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۹۲)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر دهم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۹۳)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر یازدهم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۹۴)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر دوازدهم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۹۵)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر سیزدهم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۹۷)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر پانزدهم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۳۹۸)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر شانزدهم، تهران: نشر آثار.
- _____ (۱۴۰۱)، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر هفدهم، تهران: نشر آثار.
- _____ -لازار، ژیلبر (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، تهران: هرمس.
- _____ -معین، محمد (۱۳۶۳)، اسم‌مصدر - حاصل مصدر، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
- _____ -مقرئبی، مصطفی (۱۳۷۳)، آنه و آنی، پسوندهای مرکب و دوگانه (از آن نسبت = ه و ی نسبت)، نشر دانش، سال ۱۴، صص ۱۷-۲۰.
- _____ -ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۴)، دستور زبان فارسی، چ ۵، تهران: توس.
- _____ -وهمن، فریدون (۱۳۵۵)، واژه‌نامه ارتای ویرازنامک، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- Mackenzie, D. N. (1971), *A Concise Pahlavi Dictionary*, London: Oxford University Press.
- Nyberg, Henrik Samuel (1974), *A Manual of Pahlavi, part II: Glossary*, Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- <https://qavanin.ir/law/TreeText/89868> -سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران